

رساله غبيبه، منسوب به ميرزا ملکم خان، صص 19-3

ملحقات

رساله غبيبه

منسوب به ملکم

است. با وضع قانون حقوق شخصیه اهالی محفوظ شده امنیت جان و عرض و مال و آزادی بدن که خدا بواسطه پیغمبر خود به بندگان عطا فرموده برای اهالی حاصل می گردد و لا از وجود يك سلطان عادل یا يك وزیر عاقل همانقدر نظم و ترقی حاصل می شود که يك روشنایی از يك مشعل بزرگ، همچنانکه مشعل خاموش بشود روشنایی آنهم فوراً نام می شود سلطان عادل یا وزیر کامل همین که مأموریت و عمر شان با آخر رسید جمیع خوبی ها و انتظامها با آنها از هیان خواهد رفت. اما در حالتی که در يك دولت قانون وضع شده باشد در تغییر اشخاص چه شاه و چه وزیر خلی ب اركان نظم خواهد رسید.

دوم میگفت : در دولت اسلام وزرای سلاطین بجهة اقتدار و تسلط موقتی خود وضع قانون را جایز نمی دانند.

اما به اعتقاد عقاو و خردمندان این يك سهو بزرگی است. هر گاه در مملکتی قانون باشد اقتدار و تسلط پادشاه و عظمت سلطان تاجدار و وزیر آن مملکت بیشتر خواهد بود. اقتدار و تسلط پادشاه یا وزیر آن نیست که زیر دستان خود را باراده خود جریمه کند و بسون جرم عزل نماید و بگیرد به بند و بکشد و بلا استحقاق منصب بدهد و مواجب زیاد کند. عقایل این زمان اینحالات را جباری و مستمکاری و اسراف و بی اعتدالی می کویند، بلکه اقتدار سلطان و وزیر آن است که بایک تکلیف حسابی دول همچوار خود را بتزلزل آورده حقوق ملی و دولتی را در هر جا احیا کند، برای خلاص کردن يك نفر اسیر خود بیست کرور تومان صرف کرده ده هزار لشکری فرستاده يك امپراتوری را هضم و حل و معذوم نماید. یا بجهة رسیدن تعدی به پنج نفر رعایای خود از مغرب دنیا تا هشرق

و مقاله غیبیه^۱

اول میگفت : در روی زمین چند پادشاه اسلام است. من جمله در افریقا هر اکثر است که به اصطلاح دیگر فاس می گویند، بیش از بیست کرور نفوس دارد، ایضاً در آن قطعه تونس و حکومت مصر است، در آرزو پا و آسیا دولت عثمانی است که قریب هشتاد کرور نفوس دارد. در آسیا دولت ایران و حکومتهای افغانستان و ترکستان و بلوچستان وغیره وغیره است. هر کسی که از حالت دنیا و از ترقیات دول فرنگستان اطلاع کامل دارد و تواریخ را دیده و از حالت سلاطین اسلام در هندوستان و داغستان و چرکستان و قرم والجزایر و اندرلس آگاهی حاصل کرده میداند که دول اسلام روز بروز ضعیف و معذوم و دول مسیحی روز بروز قوی و زیاد میشود. از آثار و علامت مانند آفتاب روشن است که اگر دول اسلام از خواب گران غفلت میدارند زودتر از این قرن بعضی معذوم و از بعضی بجز نام ضعیف چیزی باقی نخواهد ماند.

و از برای بیداری از چنین خواب گران مهلهک وضع قانون مستحسن

۱ - این يك مقاله خیالی است در میان چند تن از مردم فرنگستان که به نظر خوبش از اوضاع ایران انتقاد میکنند و نوع انکار آن شبیه به نظریات ملکم ولی اثنای آن خیلی پست تر از انشای ملکم است.

تریت کنند به اولین کاریکه اقدام میکند وضع قانون خواهد بود.

پنجم میگفت: من قرآن را بزبان فرانسه ترجمه کرده ام بهجهة

دولت اسلام بجز قوانین شریعتی که خدای جلیل در قرآن مجید بواسطه رسول خود یک هزار و دویست و هشتاد سال قبل از این بملت اسلام عطا فرموده قانون دیگر لازم نیست. کسی که بکنه و عمق قوانین فرنگستان رسیده باشد میداند که قانون اسلام مکمل ترین قوانین روی زمین است.

اصل قوانین فرنگستان ازقرار ذیل است:

تقریق دو اختیار و چرخ قانون را از اجرای قانون جدا کردن.

انعقاد مجلس مشورت.

اطمینان جان برای اهالی - اطمینان عرض و ناموس - اطمینان مال.

اختیار آزادی زبان و قلم یعنی امر معروف و نهی از هنرکر - حق

اجتماع بهجهة امور خیریه.

نشر علوم و معارف و اصلاح مکتب خانه ها و طرز تعلیم و تعلم -

اختیار آزادی بدن و کسب.

منع سیاست و جزا قبل از صدور جرم - احیای نفوس یعنی تدبیرات

برای زیاد شدن جنس انسانی.

نظم و ترتیب لشکر - تدبیرات از دیاد ثروت عمومی

این قوانین بطور اکمل در قرآن همچید هست ولی افسوس هزار

افسوس که بهمیج یک آنها عمل نمی شود.

حال باید بهمیت یک وزیر بی غرض وطن پرست ملت خواه شاه پرست

این قوانین را به ترتیب انداخته و شرح و بسطداده بعده مجلس مخصوص

بپاراد که آن مجلس کارش حافظ و حارس قانون بوده باشد.

دنیا سوق عسکر کرده يك سلطان بزرگ را که صاحب شش صد کیور رعیت است در تحت خود قرار گرفت. یا بهجهة اجرای حقوق ملت خود از فرنگستان به ینگی دنیا لشکر فرستاده دولتی را بهم زده، پادشاه دیگر در آن ملک نصب نماید والایک محاکوم و يك مظلوم را بستن و کشتن و مال او را ضبط نمودن یا يك وزیر یا يك امیری را بدون جرم از منصب انداختن ورسای خاص و عام نمودن قدرت نیست.

سیم میگفت: اگرچه در ایام گذشته سلاطین با فروشکوه در اسلام

خاصه در ایران بظهور آمده جهانگیری کرده اند مانند چنگیز^۱ و امیر تمور و شاه عباس و نادر شاه وغیره ولی آنوقت ها گذشته من بعد با این نظام و عدالت و بالین ترقیات و با این تکمیل اسلحه و این علم و این سهولت راهها و این کشتهای زرده دار چنگی که در دول فرنگستان است و این هیبت و اخلاص که اهالی فرنگستان نسبت به پادشاه وطن خود دارند و با این بی نظمی و نقصان اسلحه و این عدم قانون در همانک سلاطین اسلام و آن عدم هیبت باطنی نسبت بوطن و آن کثرت جور و ستم از حکام بر عایا، مجال است از اسلام پادشاهی بظهور یا باید که بتواند هملکت حاضر خود را از تسلط اعدام حفظ نماید تا چه رسد به جهانگیری و کشورستانی.

چهارم می گفت: سلاطین اسلام بواسطه آنکه آنها را از صغیر

سن بجهاری و قهاری عادت و تربیت میدهند لپذالت سلطنت را در استقلال

جا برانه میداننداما اگر یک سلطان اسلام را از طفولیت ها نماید سلاطین فرنگ

۱- چنگیز بتیرست بود و نسبت به اسلام محبتی هم نداشتند بلکه خود

و اخلاقش تازمان غازان خان نسبت به عیسویان و جهودان از بدل مساعدت در بیع

نداشته اند.

ششم می گفت : تیجه قانون این است که دین اسلام آنوقت زنده شده و معنی حقیقی خود را ظاهر خواهد کرد و ملت اسلام در انتظار ملل خارجه بزرگ و محترم خواهد بود، پادشاه قدرت و قوت و جلالش هزار چندان افزونی خواهد یافت، محبت پادشاه در دل رعایا ریشه خواهد فکند چاکران دولت از اهل نظام و رعایا و کسبه در کتف قانون شبرا آسوده خواهد بود و روز را بصدق و ارادت به شاه خدمت و رعیتی خواهند کرد، بلاجهة با غرایش شخصی یا کوزیر یا یک صاحب نفوذ یا کس شخص محترمی را که سالهای فراوان بدولت خدمت کرده زجر و سیاست و ترجمان و تنبیه نخواهند کرد، دول همسایه از ایران حساب برده تهدی و زیاده روی را موقوف خواهند ساخت، در ولایات و اطراف حکام بهوای نفس خود بندگان خدرا به قتل و سیاست نخواهند رسانید و ملک و مال آنها را بخواهش نفس خود ضبط نخواهند کرد، رعایای بیچاره را از شدت جور و تعدی بقبول کردن تبعیت خارجه یا جلای وطن مجبور نخواهند کرد، در هر جا معادن هست به کار اندخته خواهد شد، به هر چه زمین قابل ذراعت باشد آنها جاری خواهد گردید، ذراعت پنهان و توت و نیشکر و چغندر و غیره وغیره خواهد شد، دولت ایران دویست هزار نفر قشون پیاده و پنجاه هزار نفر سواره هانند قشون فرانسه خواهد داشت، ملبوس و مواجب و جیره و اسلحه آنها مانند قشون فرنگستان خواهد بود، علاوه بر این یک کروز قشون ملتی ترتیب خواهد یافت، طمع همسایه از ایران بکلی قطع خواهد شد؟

در بحر خزر و خلیج فارس صاحب کشتی های جنگی و تجارتی خواهد شد دولت، ایران در مدت ده سال صاحب افغانستان و ترکستان و

بلوجستان و گرجستان بل جمیع قفقازیه خواهد بود.^۱ راههای آهن در جمیع شهرهای بزرگ ساخته خواهد شد.

رعایای ایران که هرساله زیاده از سی هزار نفر از جور و تعدی حکام و بیکاری و بی شغلی بمماليک خارجه از قبیل روم^۲ دروس و هندوستان و فرنگستان و مصر و عربستان حتی امریکا متفرق و پراکنده می شوند آن وقت در داخله مملکت بزراعت و فلاحت و کسب و اختراعات جدید و سایر امور رعیتی مشغول می شوند، در اندک زمان نفوس ایران به سی چهل کرور، مالیات بالمضاعف خواهد رسید، اسم پادشاه و اسم وزرای آن عهد ابدالدهر در کتب تواریخ کل دنیا به یزگی و نیکی باقی خواهد ماند.

شهرها همتیر و پاک و منظم و کوچه ها وسیع خواهد شد، مریضخانه های نظامی وغیر نظامی در شهرها طبیبها و جراحها و دوافروش های باعلم و عمل خواهد داشت، هر عطار جرئت دوا فروشی نکرده و هر نسخه بند حق طبابت به بندگان خدا و کشتن آنها خواهد داشت.

بهجهه سالان شغلهای شایسته پیدا شده از دلت سؤال و ستوه آوردن مردم خلاص خواهند گردید، وقت وساعت کارها در دیوانخانه و وزارت خانه ها معین شده مردم بلاجهة سرگردان و معطل نخواهند بود.

اوقات عزیز پادشاه که الان بکارهای خراب و بی فایده مصرف می شود آنوقت بکارهای نافع مصرف خواهد بود، همچنین وزرای دیگر.

۱ - پیش از آنکه در تسمیهای جدا شده از ایران به روزگار سلطنت قاجاریه دولتهای مستقلی از پادشاهان ماتشكیل شود ایرانیان علاوه مدنو مصلح، به بقای این ممالک قدیمی ایران در دست بیکانگان راضی نبوده و آرزوی بازگشت و پیوستن آنها را به وطن مشترک و مادر اصلی داشتند.

۲ - عثمانی

یز وضع قانون و عمل کردن بفرمایش رسول الله (ص) که احیا کننده ملت و دولت است اجازه نمیدهد؛ ایرانیان اکران انصاف و انسانیت و غیرت دارند لامحاله تابع یك قانون بشوند خواه قانون فرس خواه قانون مغول خواه اسلام. من که مسلمان نیستم^۱ میگوییم قانون اسلام بهترین و کامل‌ترین قوانین روی زمین است. هر کس در هرجای آن عیب میداند بگوید و بر اصلاح آن چاره بجوید یا اینکه مانند حدیث «قد تغیر الاحکام تغیر الزمان» و سیله در دست دارند عادات حاضره در ایران علاوه بر اینکه مخالف آئین اسلام و ما انزل الله است طبایع قلوب ملل خارجها از مذهب اسلام متنفر و مکروه دارد و در خارجه تصور میکنند که در واقع این ظلم و عدوان و این عدم ملاحظه حقوق رعایا و برایا و این هزار قسم تعدیات از اصول قانون اسلام است.

اگرچه در هیان سیصد میلیون فرنگی ده بیست نفر مثل من بکنه هضامین قرآن شریف رسیده و میدانند ولی دانستن این جمع قلیل در هیان سیصد میلیون چه منفعتی به حال اسلامیان خواهد بخشید در کل فرنگستان و در همه ینکی دنیا یکنفر نیست که هنکر هضامین آن رساله باشد^۲ همیشه شماها را در جرگه ملل وحشی و بی تربیت و ظالم و خونخوار خواهند داشت.

هشتم میگفت : فقط وضع قانون چاره دردها را نمی‌کند حرف در سر دو اختیار است یعنی اختیار وضع قانون را از اختیار اجرای قانون جدا نمایند که این دو اختیار بپیچوچه مخلوط هم استعمال نشود. یعنی

۱ - فراموش نشود که مکالمه میان چند تن او و پائی عیسوی انجام میگیرد.

۲ - گویا افتادگی در متن باشد.

سیاق تعلیم و تعلم که الان در بدترین حالت است آنوقت اصلاح خواهد یافت بطوریکه تحصیل ده ساله در مدت سه سال با کمال آسانی برای اطفال میسر خواهد شد. اطفال از خواندن و تحصیل علم متقر و منزجر نخواهند شد و درس حب وطن که در ایران نیست بخوبی تحصیل خواهد کرد.

هفتم میگفت : این حالت حالیه و حکومت حاضره که الان در ایران موجود است بهبودوجه بحکومت اسلام و قانون محمدی (ص) شباهت ندارد. این وضع هر کب است از عادات فرس و یونان و تاتار و عرب و افغان و روم و ترکمان، مخلوط و درهم، یک عالم هرج و مر جی است که در هر چند قرنی یکی از ملوک طوایف غلبه کرده و از هر کدام آنها یک عادت مذمومه و مکروه در ایران باقی مانده.

مثال آدم بطناب انداختن یا شکه کردن یا بدهان توب گذاردن یا چوب زدن یاداغ نمودن و گوش بریدن و پی نمودن و از بلندی پرت کردن و هزار نوع شکنجه نمودن و بجهت تقصیر یک مفتر خویش و اقوام اورا گرفتن و بستن وزدن و کشتن و خانه های آنها را ویران کردن و اموال آنها را تاراج نمودن و یا یک شخص محترم را بلا جهه از رتبه و اعتبار انداختن و رسای خاص و عام کردن و مال اورا ضبط نمودن و خود اورا از زندگی هجروم ساختن، این قبیل مظالم را خدا کجا به بیغمبر خود امر فرموده و حضرت ختم رسی و خلفای آن بزرگوار کی وقت را مر فتن صد نفر بی سرو پارا پس و پیش انداخته اسباب جلال قرار میدادند و یعنی بزرگی و انسانیت را کی منوط بوجود این چنین اجراء و او باش کرده بودند؟ اگر میگویند وقت و زمانه مقتضی این گونه تشخصات است من میگوییم در صورتیکه اقتضای زمانه بخلاف ما انزل الله اجازه میدهد چرا

مجلس قانون وضع قانون بکند و باجرای آن ابدأ مداخله نمایند و وزرای آن دولت اجرای قانون بگذند و وضع و تغییر قانون را مطلقاً دخل و تصرف ننمایند.

دول مقید فرنگستان بعد از هزار سال این معنی را فهمیدند.
سلطان عبدالعزیز پادشاه عثمانی بعد از هفت سال سلطنت در سال ۱۲۸۵ این معنی را فهمیده و در نطق رسمی خود اقرار نمود.

یک کلمه « بدون تفرق وضع قانون و اجرای آن اگر بهترین قوانین دنیارا جمع کنند و بعاقبترين وزرای دنيا کار رجوع نمایند که آنها هم معين واجرا کن باشند بجز خرابي و بجز اغتشاش نميتوانند کاردیگر بگذند خلاصه با اختلاط دو اختيار نه امكان نظم است و نه ترقی ».

نهم میگفت : یکی از خبر خواهان دولت بعد از میرزا آقاخان صدراعظم رسالت چند در باب اصول حکمرانی و تفرق اختيارین نوشته، رساله های مزبور را در فرنگستان دیده اند و هزار تحسین و آفرین برهمنصف آن کرده اند و هزاران حیرت و تعجب حاصل نموده اند که بلا اثر هانده نسخه از آنها بشما میدهم که بنظر شخص بزرگوار برسانيد.

دهم میگفت : برای هیچ پادشاه و هیچ وزیر شرط نیست که جمیع راه ترقیات را خود بداند و عیب ایشان نخواهد بود چیزی که خود نمیداند از دیگران پرسند و اسباب آن را از خارج فراهم بیاورند چیزی که برای اشخاص بزرگ مانند سلاطین و وزرا لازم است؛ کار جستن و کار پیدا کردن، در عزم ثابت و بی غرض و درست قولی و ابراز غیرت و همت در کارها است. پظر کبیر باستعداد فطری خود دانست مادامیکه کشتهای جنگی نداشته باشد و قدرت بحریه بهم نرساند دولت روس معنی نخواهد داشت

بانهاست اغتشاش که در داخله مملکت بواسطه خلیل زن و پسرش و کشیشان ملت ظهور داشت عزم و همت ملوکانه خود را جزم کرده بفرنگستان آمد و از اوضاع و احوال آنجا بصیرت کامل حاصل نموده دو سال متصل در کشتی سازخانه ملک روزها کشتی سازی یاد میگرفت و شبهه را بوزرای خود دستور العمل هیفرستاد و این را هر عاقل میداند و خود پطر هم میدانست که اگر پنجاه نفر استاد کشتی ساز از فرنگستان طلب میکرد مقصودش زودتر صورت میگرفت و احتیاج بدو سال معطلي و فعلگی خود نمیشد اما چون مقصود او ابراز همت و اظهار عزم ملت بود لهذا چنین کرد بواسطه چنین همت خود او در امور ملکداری دولت روس الان از اولین دولت فرنگستان است.

یازدهم میگفت : تعجب دارم از حالت وزرای ایران با اینکه در عصر خود بکرات دیده و قبل از ایام خود را نیز در تواریخ ملاحظه کرده اند که هیچ وزیر در انجام کار از قهر و غضب سلاطین خلاص نشده است معهداً بزیر بار گران وزارت میر و ند و مادامیکه اقتدار و تسلط دارند بی آنکه بفکر احیای ملت یافتهند بهترین عمر خود را صرف تحصیل بول آنهم بر اهای نالایق میگذند و بعد از عدم قانون، دوچار میشوند و قبل از وقت چاره نمی نمایند!

دوازدهم میگفت : در بد و اسلام هر یک از خلفاً که با حکام قرآن رفتار کرده و قوانین شرعیه اسلام را کامل رعایت میگردند قوت و سطوت دولت اسلام، معموریت و ثروت مملکت و آسودگی و رفاهیت ملت بدرجه کمال بود.

در هر عصر که بخلاف این رفتار کرده اند عکس آن بظهور رسیده

مایه اصلیه این مقصود امنیت جان و ناموس و مال است در هر دولتی مایه امنیت و اطمینان مادامیکه کاملا برای اهالی حاصل نشده آبادی و قوت و رفاه برای آن مملکت ممکن نیست و محال است. در مملکتی اگر مانند نوشیروان و بوزرجمهر پادشاهی وزیری باشد مادامیکه اطمینان و امنیت های مذکوره قانونا به اهالی آنجا داده نشود آن مملکت مثل حالت حالیه ایران خواهد بود.

سیزدهم می گفت : هر وزیری که این خدمت را به پادشاه ایران کرد یعنی وضع قانون نمود و اجرای احکام قرآن مجید را بترتیب اندخته محافظت آنها را بعهده مجلس مخصوص مهول کرد و اجرای آن را بعهده مجلس دیگر گذاشت اوهم دولت شاهرازنه کرده وهم ایرانیان را احیا نموده وهم مانند اسکندر و پطرکبیر و ناپلیون اسم بزرگ در دنیا باقی خواهد گذاشت.

چهاردهم می گفت : از بعضی اشخاص شنیده ام میگویند هنوز وقت این کارها نیست و ملت تربیت نشده واستعداد بهم نرسانیده که وکلا از جانب خود انتخاب نماید و دولت از روی قانون با آنها رفتار کند، این گونه حرفهای حقیقت هتل این است که کسی قرآن را رد کند و منکر دین محمد (ص) باشد.

پندهم اینکه هزار و سیصد سال قبل خداوند عربهای بی تربیت را قابل این نعمت دیده بواسطه رسول خود قانون های محکم در قرآن برای آنها عطا فرموده و پیغمبر خود را با امت خود بمفاد آیه شریفه (وشاورهم فی الأرض) حکم بمشورت فرموده ، الان که اهل ایران مردهان باعقل و درایت و از همه جای دنیا با خبر و آگاه هستند چگونه میشود

قابل آن نباشد که با آنها با قانون احمد مختار رفتار شود ؟ علاوه بر این دلیل دیگر نیز داریم و آن این است دولت روس ارامنه و گرجیها و قزلباشیهای کوه و صحراء نشین قفقاز را قبل دانسته امتیازات شایسته با آنها داده و امنیت همه چیز با آنها بخشیده و با آنها موافق قانون موضوعه خود رفتار میکند^۱ و وکلای رعیت از میان آنها با انتخاب خود رعایت بول میکند ولی در ایران هنوز اهالی قابل و مستعد آن نشده اند که با آنها موافق قانون خدا که در قرآن شریف داده شده رفتار بکنند؛ این چه حرف یعنی است اینکه حرفا را یا به کمال جعل و نادانی حمل می کنیم یا بعین غرض و خود بینی .

پانزدهم می گفت : من در ایران چه در ایام ولیعهدی و چه بعد از جلوس بر تخت سلطنت مکرر شرفیاب حضور اعلیحضرت ناصرالدین شاه ایران شده ام و فرمایشات ملوکانه را شنیده ام و از نیت آن پادشاه کاملا مطلع شده ام و بدون تملق و غرض میگوییم که در حسن نیت و عزم ملوکانه و خدا پرستی و عدل این پادشاه بهیچوجه نقصی و قصوری ندیده ام چیزی که مانع به ظهور نیات نیک اعلیحضرت ایشان است ناموجودی اسباب کار و عدم اتفاق ویژگی وی روزرا(!) و امنیت دولت است.

شانزدهم می گفت : سبب اینکه در وقت رحلات پادشاهان ایران

از زیر زمین پای تخت و سایر شهرها و راهها بی نظم و آشفته و پریشان می شود با باخبرهای بی حقیقت نسبت بوجود پادشاه در پای تخت دکان و بازار بسته

۱ - این تربیه است بر آنکه این رساله در قفقاز و بوسیله یکی از مسلمانان قفقاز که را نوشته های ملکم ائمی داشته برشته تحریر در آمده است . انشاهم شیخ به انشای طائب زاده و فارسی نویسان قفقاز است .

وقطعی نان و آذوقه می گردد از عدم قانون است. بجهة اینکه چون اهالی نظم مملکت را منحصر به وجود پادشاه میدانند لهذا همینکه خبر بدی نسبت بوجود پادشاه منتشر شد ولایات درهم برهم میگردد. اگر قانون باشد بالاشبه نظم و آسایش را از قانون میدانند و پادشاه را نمیس کل و حافظ و حارس قانون و اگر بوجود پادشاه سانحه بر سد میدانند همان کسی که بعد ازاو قانوناً وارد سلطنت است به تخت جلوس خواهد کرد.

با حال حاضره اگر صدهزاران آدمها را سیاست کنند هزاران سرها بریده و بطباب انداخته شود، این عادت مکروه از میان اهالی رفع نخواهد شد مگر بوضع قانون علاوه بر دلایل مذکوره حالت سلاطین روی زمین در این باب یک دلیل واضح وبرهان قاطع است.

این چند بیت را در آخر گفته های خود برمی خواند:
طريقت بجز خدمت خلق نیست، به تسبیح سجاده ودلن نیست.
نه بی حکم شرع آبخوردن خطاست، ولیکن بفتوا بریزی رواست.

تکمله و توضیح راجع بر ساله غیبیه

بعد از ختم عمل چاپ نسخه ای از رساله غیبیه که در ملحقات طبع شده است بدون اسم و عنوان از کتابخانه ثقیل اعزاز فرزند مرحوم اعلم الدوله در دسترس هافوار گرفت که میرزا عبد الوهاب نوری (نظام الملک دوم) آنرا بسال ۱۳۰۱ هجری قمری استنساخ نموده و با نسخه منضم به کلیات که اساس چاپ حاضر قرار گرفته است تفاوت هایی دارد.

از جمله در آغاز رساله مینویسد:

«در نصایحی است که یکی از دانشمندان فرنگستان به بنده در گاه گفته و مخصوصاً پیمان گرفته که بعرض جناب عالی برسانم. بنده نیز بمقاد لیس علی الرسول الالباغ بی آنکه کلمه ای از گفته های او زیاد و نقصان کند بعرض آنها بادرت نمودم.»

بعلاوه اختلاف روایت و قرائتی در بسیاری از الفاظ بین دو متن موجود است که برخی از آنها اصولاً در متن مطبوع غلط آورده شده

است مانند:

ساعار ۴ از صفحه اول «از برای» که بجای آن «داروی» و در صفحه دوم «طرافی مخلل» را «اختلال» و در صفحه پنجم «ملک» را «فلمنک» آور. است و جزایها برخی افزونه هم از دکه در اینجا باد میشود؛ در صفحه دوازده بس از حظر ۴ در کل فرنگستان و در همه پیشکشی «تا یک تقریباً نسبتاً اند شد که مذکور مذکورین آن رساله باشد...» در صفحه سیزده سطر ۲ بس از «بس» اتمام آیام وزارت مورخ انواع حلت و مختار عیگر نه و این بلیه در اکثر که بواسطه...

بداندیش ملک است و خونخوار خلق
که نفع تو جوید در آزار خلق
ریاست بست کسانی خطابت
که از دستشان دستها بر خداست
تاریخ تألیف کتاب میلان ۱۲۸۶
بتأثیر روزیکشنبه دوازدهم شهر ربیع الثانی سنه هزار و سیصد و
پل کمترین عبدالوهاب نوری تحریر نموده...

۴۰۲۱۲



BF30212

10031500025771
کتابخانه دانشگاه علوم اجتماعی

و در بیان رساله علاوه بر بیت مذکور ایات دیگری بدین تفصیل

دارد :

نه بی حکم شرع آب خوردن خطاست
و گر خون بفتوى بریزی رواست
نظر کن در احوال زندانیان
که ممکن بود یگنه در میان
که خاطر نگهدار درویش باش
نه در بند آسایس خویش باش
رعیت چو بینند و سلطان درخت
درخت ای پسر باشد از بین سخت
فراخی در آن مرزوکشور هخواه
که دلتانک یعنی رعیت زشاه
رعیت نشاید به بیداد کشت
که هر سلطنت را پناهند و پشت
بر آن باش تاهر چه نیت کنی
نظر در صلاح رعیت کنی
الا تما نییچی سر از عدل و رای
که صریح زدست نمایی چند رسان
گر بیزد رعیت نماید اگر
کند نام زشنیش به گیتی سمر
خدای ترس را بر رعیت گمار
که عمار ملکست پر هم کند